

تاریخ نگاری جنگ در عصر اسلامی

(از آغاز تا عصر عباسی)

دکتر اصغر فائادان*

چکیده:

از آغاز عصر اسلامی و ظهور دعوت جدید در شبه جزیره، رسول خدا(ص) برای دفاع در برابر دشمنان و نیز تحکیم و تثبیت حکومت دینی خود ناچار به ورود در عرصه‌ی جنگ شد، بنابراین، بخش عمده‌ای از دوران حضور آن حضرت در مدینه با جنگ همراه بود. در عصر خلفای پس از او تا پایان عصر خلافت، همواره جنگ جزء لاینفک زندگی مسلمانان و خلفا گردید. در این دوران‌ها برای ثبت وقایع مربوط به جنگ‌ها، برخی از مورخان پدید آمدند که اهتمام آن‌ها به ثبت و تشریح آن جنگ‌ها معطوف بود. برای نخستین بار پرداختن به جنگ‌های عصر رسول خدا(ص) در اواخر قرن اول هجری آغاز و سبک مغازی نویسی، نوعی از تاریخ نگاری جنگ، به غزوات و سیره‌های عصر رسول خدا(ص) اختصاص یافت. پس از آن با آغاز عصر فتوح، سبک دیگری از تاریخ نگاری جنگ پدید آمد که آن را می‌توانیم فتوح نویسی بنامیم. در این دوران یعنی عصر خلافت پس از رسول خدا(ص) نوع دیگری از تاریخ نگاری نیز جنگ با عنوان رده‌نگاری پدید آمد که به ثبت وقایع مربوط به جنگ‌های با مرتدان اختصاص می‌یافت. در عصر خلافت امام علی(ع) و پس از آن به سبب وجود بحران‌ها و درگیری‌های داخلی شاهد نوع دیگری از

تاریخ نگاران جنگ هستیم که می‌توان آن را فتن نگاری نامید. علاوه بر تاریخ نگاری و شرح وقایع جنگ، با پیشرفت و تکامل جنگ و سلاح در اعصار اسلامی، دسته‌ای از اندیشمندان جنگ و تئوری پردازان نیز پدیدار شدند. که آن‌ها با تدوین اندیشه و نظرات نظامی خود پیرامون اصول و آداب و هنر جنگ، برای خلفا، فرماندهان، سلاطین و... آیین نامه‌ی جنگ نوشتند. آن‌ها فراتر از این به طور ویژه در کتب خویش به تشریح سلاح‌ها و تجهیزات و نیز آموزش استفاده از سلاح، سوارکاری در جنگ و نیز سازماندهی نظامی و حتی حقوق جنگ پرداختند که در این مقاله برآنیم تا براساس تقسیم‌بندی یاد شده به تشریح شیوه‌های تاریخ نگاری جنگ آنان بپردازیم.

مقدمه:

قبل از ظهور اسلام در شبه جزیره‌ی عربستان، اعراب عصر جاهلیت عمدتاً به سبب نظام قبیله‌ای و نحوه‌ی معیشت خویش ناچار از جنگ و درگیری بودند؛ اما این جنگ‌ها فی‌نفسه چیزی جز یک تنازع و درگیری نامنظم نبود. پس از آن‌که اسلام در مکه ظهور یافت و پیامبر(ص) موفق به تشکیل دولت در مدینه شد، برای مقابله با مشرکان و دشمنان حکومت دینی خود از سوی خداوند مأمور به مقابله با آنان گردید. از این هنگام پیامبر(ص) درگیری خود را با مشرکان در دو نوع غزوه و

*دکترای تاریخ اسلام

نظامی بوده‌اند که خود در برخی مواقع عملاً در میادین جنگ حاضر شده و در مقام فرماندهی و اداره‌ی جنگ، از نزدیک شاهد جنگ‌ها بوده و در میادین عملیاتی به ثبت مشاهدات و دیده‌های خود پرداخته‌اند. بنابراین، حضور آنان در منطقه‌ی جنگی و شرکت و نقش آنان در جنگ از یک طرف و آگاهی آنان از شیوه‌های علمی تاریخ‌نگاری و حرفه‌ی اصلی آن‌ها در تاریخ‌نگاری، موقعیت ویژه و برجسته‌ای به آنان داده و متون و تألیفات آنان را متقن، معتبر و علمی ساخته است. نکته‌ای که شایان گفتن است این‌که متأسفانه نخستین کسانی که به تاریخ‌نگاری جنگ پرداخته‌اند یعنی نسل اول تاریخ‌نگاران حجاز و عراق و شام، متأسفانه آثار آنان از بین رفته و امروزه اثری از آن‌ها نیست که ما در این جا لازم است به برخی از طلابه‌داران و پیشروان این حرفه اشاره کنیم. این طبقه و نسل، اهتمام ویژه‌ای به نوشتن مغازی و سیره و نیز فتوحات داشته‌اند و به‌عنوان نخستین مغازی‌نویسان مشهور هستند:

- ۱- عروۀ بن زبیر، فرزند صحابه پیامبر (ص) زبیر بن عوام که در سال ۹۲ هجری قمری، از دنیا رفت و او در زمره‌ی تابعین بود.
- ۲- ابان بن عثمان، فرزند خلیفه‌ی سوم که در سال ۱۰۵ هجری قمری از دنیا رفت و او نیز صحبت پیامبر را درک نکرده بود.
- ۳- وهب بن منبّه از تابعان مدینه‌ای و مؤلف کتاب معروف مغازی که در سال ۱۱۰ هجری قمری از دنیا رفت.
- این سه نفر علاوه بر مغازی به سیره نیز پرداخته‌اند.
- ۴- شرحبیل بن سعد، متوفای ۲۳۳ هجری قمری، که از مغازی‌نویسان مکتب عراق است.
- ۵- ابن شهاب زهری از مغازی‌نویسان مکتب مدینه که در سال ۱۲۴ هجری قمری از دنیا رفت کتاب المغازی او البته توسط محققان جدید جمع‌آوری شده است.
- ۶- عاصم بن عمر بن قتاده، متوفی ۱۲۰ هجری قمری، از مغازی‌نویسان مکتب حجاز است.
- ۷- عبدالله بن ابی بکرین خرم متوفی ۱۳۵ هجری قمری، از مغازی‌نویسان مکتب اندلس است.
- این چهار مورخ برجسته در قرن اول هجری به کار ثبت و تاریخ‌نگاری جنگ پرداخته و آثار آنان تنها منحصر به مغازی و فتوح بوده است.
- ۸- موسی بن عقبه، متوفی ۱۴۱ هجری قمری که مغازی او اکنون جمع‌آوری و بازسازی شده است.
- ۹- معمر بن راشد متوفی ۱۵۰ هجری قمری
- ۱۰- محمد بن اسحاق متوفی ۱۵۲ هجری قمری

سریه آغاز کرد و به جای جنگ‌های نامنظم به جنگ‌های منظم روی آورد. ابعاد جنگ‌ها در این دوران گسترش یافت و پس از دوران ایشان، به خارج از مرزها کشیده شد. مسلمانان به مصاف با دو امپراتوری قدرتمند روم و ایران رفتند و در جنگ‌های خود موفق شدند پیروزی‌های چشم‌گیری به دست آوردند و حتی شاهنشاهی ایران را مضمحل و بسیاری از بخش‌های تحت سلطه رومیان را نیز به قلمرو خود بیفزایند. جنگ‌ها از صحرا به شهرها و سپس از خشکی به جنگ‌های دریایی متحول شد و در این بستر نیز تاکتیک‌ها، تجهیزات، تسلیحات و هنر جنگ متحول شد. لذا نظر و توجه بسیاری از مورخان هنگام ثبت وقایع و حوادث تاریخی ناخودآگاه به سوی ثبت تحولات جنگی و در حقیقت تاریخ‌نگاری جنگ معطوف می‌شد که آن‌ها را می‌توان به دو دسته عمده و کلی تقسیم کرد:

الف) تاریخ‌نگاری عمومی جنگ:

تاریخ‌نگاران عمومی جنگ شامل مورخان اسلامی مثل محمد بن جریر طبری (۳۱۰-۲۳۰ ق) مورخ مشهور ایرانی و مؤلف تاریخ طبری، محمد بن عبد الملک بن هشام حمیری (وفات ۲۱۳ ق) مورخ برجسته عراقی که سیره‌النوییه‌ی او اشتهازی خاص دارد و محمد بن ابی واضح یعقوبی (وفات ۲۸۴ ق) از مورخان برجسته ایرانی و جغرافی‌دان مشهور قرن سوم و مؤلف تاریخ یعقوبی و نیز سایر مورخان عمومی، هدف اصلی آنان ثبت تاریخ و تاریخ‌نگاری بود اما به سبب آن‌که در بخش عمده‌ای از تاریخ عصر اسلامی به‌ویژه قرن‌های اول، دوم و سوم هجری مسلمانان در جبهه‌های متعدد درگیر جنگ بودند، این مورخان به ناچار توجه ویژه‌ای به تاریخ‌نگاری جنگ در کنار تاریخ‌نگاری عمومی خود داشتند و تحولات نظامی راه‌مراه با تحولات سیاسی و فرهنگی دنبال کردند. مادر این مقاله برآنیم تا صرفاً دسته دوم، که تاریخ‌نگاران تخصصی جنگ‌اند را مورد توجه و بررسی قرار دهیم.

ب) تاریخ‌نگاری تخصصی جنگ:

در عصر اسلامی، به سبب اهمیت جنگ و آغاز عصر فتوح و توسعه‌ی سرزمینی به‌ویژه در عصر خلافت خلفای راشدین و اموی، بسیاری از مورخان، بخش عمده‌ای از تلاش‌های خود را به ثبت وقایع جنگ‌ها و درگیریها اختصاص داده و بسیاری نیز به طور تخصصی به حرفه‌ی تاریخ‌نگاری جنگ پرداختند و آثار بسیار برجسته و تخصصی در این زمینه از خود برجا گذاشته‌اند. این عده معمولاً از مورخان و نیز بعضاً اندیشمندان

میراث فرهنگی و تمدن به جای مانده از اعصار نخستین اسلامی در قالب تاریخ نگاری جنگ، نشان از حیاتی در خشان در این زمینه برخلاف تصورات موجود دارد. مستشرقان و ناآگاهان چنان می اندیشند که در میان مسلمانان و اندیشمندان اسلامی، تاریخ نگاری نظامی و در حقیقت تاریخ. نظامی چندان معنا و مفهومی ندارد.

۱۱- زیاد بکایی متوفی ۱۸۳ هجری قمری، از سیره نویسان و مغازی نویسان قرن دوم هجری که کتاب محمد بن اسحاق با عنوان المغازی و السیر بعدها توسط ابن هشام تهذیب و تلخیص شد.

پس از آن‌ها کسانی چون محمد بن عمر واقدی و ابن سیداناس از مغازی نویسانی هستند که تألیف خود را در قرن سوم و چهارم هجری قمری فراهم ساخته‌اند و امروزه آثار آنان موجود است و مادر این مبحث به آن خواهیم پرداخت.

۱- مغازی نویسی

از آنجا که بخش عمده‌ای از دوران حاکمیت پیامبر (ص) در مدینه به نبردها و جنگ‌ها، که در مجموع آن‌ها را غزوات و سراپا می‌نامیم، اختصاص داشت، طبقه‌ای از تاریخ‌نگاران پدیدار شدند که هدف آن‌ها ثبت و ضبط مسایل مربوط به غزوات و جنگ‌ها بود. بنابراین نخستین طبقه تحت عنوان مغازی نویسان پا به عرصه وجود نهادند. قبل از هر چیز لازم است تعریفی از غزوه و سریه داشته باشیم تا معنای اصطلاحی مغازی را دریابیم.

برخلاف آنچه معمولاً مرسوم و مشهور است، غزوه را نمی‌توان آن جنگ‌هایی دانست که رسول خدا (ص) در آن حضور داشتند و سریه را آن‌هایی که حضور نداشتند. این تعریفی ناقص و حتی غیر صحیح است. غزوه در لغت به معنای جنگ و درگیری است و فی‌نفسه غزوه یعنی یک جنگ. جنگ در آن دوران معنا و مفهوم خاص خود را داشته است، جنگ چیزی فراتر از یک درگیری و نزاع قبیله‌ای، یک شبیخون و یک تهاجم غافل‌گیرانه بوده است.

جنگ در حقیقت یعنی یک نبرد تمام عیار با شرایط خاص خود که این شرایط برای جنگ عبارت بودند از اعلان عمومی و بسیج گسترده نیرو، جابجایی نیروی رزم (لشکرکشی)، حرکت در

مسیری مشخص در روز و آشکارا، داشتن سازماندهی معین مثل سازمان خمیس و کرادیس به هنگام حرکت و در حین انجام جنگ، و نهایتاً برخورد همه‌جانبه با نیروهای دشمن. این نوع جنگ را غزوه می‌نامیم. اما سریه، یک نوع درگیری خاصی است با این شرایط، نیروی بسیج شده در آن بسیار اندک، حرکت نیروی نظامی در شب، مخفیانه و از بیراهه، تهاجم به صورت غافل‌گیرانه و بدون اعلان قبلی و به صورت غافل‌گیرانه و بدون اعلان قبلی، کر و فر (ضربه زدن و گریختن). این نوع درگیری را سریه می‌نامیم. در عصر جاهلیت معمولاً غزوه کم‌تر بوده است زیرا اعراب به جنگ‌های تمام عیار روی نمی‌آوردند بلکه آن‌ها بیشتر تر کر و فر می‌کردند یعنی جنگ و گریز. بنابراین، معمولاً به سریه می‌پرداختند. علاوه بر آن، سریه در عصر جاهلیت به معنی یک یگان جنگی بود. که از ۳ تا ۳۰ نفر نیرو در آن حضور می‌یافته است. سریه کم‌ترین واحد جنگی در عصر جاهلی و عصر اسلامی است و پس از آن کتیبه، فیلق، حجفش، ازلم، حیث، خمیس به ترتیب بالاترین نیرو را به خود اختصاص می‌دادند. بنابراین برخی از جنگ‌های عصر پیامبر (ص) که فی‌نفسه همان غزوه است، رسول خدا (ص) در آن حضور نداشتند و دیگری به جای ایشان فرماندهی سپاه را بر عهده می‌گرفت مثل غزوه‌ی عبیده بن وارت، غزوه‌ی عبدالله بن حجش، غزوه‌ی سویق، غزوه‌ی موته، غزوه‌ی اسامه؛ و بالعکس در برخی تهاجمات که با نیروی اندک صورت می‌گرفته و به صورت پنهانی و غافل‌گیرانه بوده و در حقیقت سریه است، رسول خدا (ص) نیز حضور داشته‌اند، البته آن‌ها را در منابع، غزوه نام نهاده‌اند. اصل در تشخیص سریه سه ویژگی است: ۱- سیر در شب که سریه به معنای حرکت در شب؛ ۲- درگیری نامنظم و غافل‌گیرانه ۳- نیروی کم و اندک از ۳ تا ۳۰ نفر.

در هر حال در عصر رسول خدا (ص) ۲۷ جنگ که نام غزوه بر آن نهاده شده است و ۳۸ الی ۴۶ سریه صورت پذیرفته است. جمع غزوه، غزوات و جمع سریه، سراپا است. مغازی از مغزو گرفته شده و در حقیقت به معنای محل جنگ است. بنابراین، مغازی نویسان کسانی هستند که به تشریح منطقه و میدان جنگ، همراه با ثبت وقایع جنگ می‌پردازند. نخستین مؤلفان در عصر اسلامی ابتدا در قالب سیره نویسان و مغازی نویسان ظهور یافته‌اند و بعد از آنان مورخان به ثبت وقایع تاریخی آن عصر پرداخته‌اند. این امر نشان از اهمیت مغازی و شرح جنگ‌های عصر رسول خدا (ص) در میان مسلمانان دارد که

موسی بن عقبه که همگی از مغازی نویسان مشهور قرن دوم و سوم هجری هستند و نیز ابن سیدالناس و دیگران، که متعلق به قرون بعد هستند، همگی برای ثبت وقایع مربوط به غزوه‌ها و درگیری‌های عصر پیامبر (ص) به شخسه از مکان‌ها و میدان‌های جنگ در همه‌ی نقاط شبه جزیره دیدن کرده و به توصیف منطقه‌ی جنگ و ویژگی‌های سرزمینی آن پرداخته‌اند و دیده‌ها و شنیده‌های خود را از آن جنگ به رشته تألیف درآورده‌اند؛ ویژگی مهمی که کار آنان را نسبت به همه‌ی تاریخ‌نگاران جنگ که خود در منطقه حضور نداشته و بیش‌تر متکی به اسناد و مدارک و شواهد غیرمستقیم و یا نقل قول‌های شفاهی هستند ممتاز می‌سازد. به عنوان نمونه، وقتی واقعی برای تشریح غزوه‌ی موته، سفر بسیار طولانی به شمال شبه جزیره کرده و در منطقه عیناً وضعیت جغرافیایی، پستی‌ها و بلندی‌ها، صحراها و رودها و سایر مسایل مربوط به میدان جنگ را تشریح می‌کند و نیز برای تشریح سایر غزوه‌ها حدود بیش از یک‌دهه عمر خویش را صرف دیدار از مناطق جنگی عصر پیامبر (ص) می‌کند و به خوبی همه این میدان‌ها را تشریح می‌سازد، اهمیت کار او در عصر حاضر به خوبی روشن می‌گردد. کاری که در عصر حاضر تاریخ‌نگاران جنگ به دنبال آن هستند و هیچ مورخ تاریخ جنگ نمی‌تواند خود را بی‌نیاز از حضور در منطقه‌ی جنگی و میدان عملیات ببیند، چه اگر چنین کسی تاریخ جنگ را ثبت و تشریح کند، قطعاً عدم حضور در منطقه‌ی جنگی و عدم آگاهی از وضعیت میدان جنگ و تشریح آن می‌تواند کار او را با ابهام و تردید روبرو سازد. این امر می‌تواند الگوی خوبی برای تاریخ‌نگاری دفاع مقدس و جنگ تحمیلی در عصر حاضر باشد. بدیهی است کسانی که به ثبت وقایع مربوط به دفاع مقدس و جنگ هشت ساله می‌پردازند برای تشریح بهتر عملیات‌ها و درگیری‌ها لازم است به طور دقیق و جزئی، پس از حضور در مناطق عملیاتی، منطقه جنگ، ویژگی‌ها و آمایش زمینی را تشریح و توصیف کنند، منطقه‌ی استقرار نیروهای خودی و نیز منطقه‌ی استقرار دشمن، موانع طبیعی اعم از رودها، تپه‌ها و بلندی‌ها، هورها، زمین‌های باتلاقی، معابر، استحکامات طبیعی و سایر مباحث مربوط به موقعیت جغرافیایی از مهم‌ترین مباحث مربوط به تاریخ‌نگاری جنگ است که نمی‌توان نسبت به آن در تاریخ‌نگاری جنگ بی‌توجه بود و نکته دیگر، روایت جنگ از زبان کسانی است که خود در جنگ حضور داشته و مشاهدات خود را عیناً نقل می‌کنند. مورخان و تاریخ‌نگاران جنگ در

پیشگامان تاریخ، در تاریخ‌نویسی، ابتدا به مغازی نویسی رو آورده‌اند و جنگ‌ها را توصیف و وقایع آن را ثبت کرده‌اند. علت اساسی توجه مسلمانان به این‌گونه تاریخ‌نویسی با گرایش پرداختن به تاریخ نظامی و تاریخ‌نگاری نظامی، تقدس قابل شدن برای این‌گونه جنگ‌ها به سبب انجام آن به وسیله‌ی رسول خدا (ص) و یا صحابه‌ی او و نیز بالاتر از آن انجام جهاد است. جهاد در اسلام یکی از ارکان مهم بقا و دوام دین محسوب شده و آیات فراوانی پیرامون جهاد و فضیلت آن، به تشویق مسلمانان برای انجام این فریضه پرداخته است. بنابراین، همان‌گونه که انجام جهاد و شرکت در جهاد برای نشر دین جدید و مقابله با دشمنان اسلام یکی از واجبات و فرایض محسوب می‌شده است، ثبت وقایع مربوط به این جنگ‌ها و به عبارتی تاریخ‌نگاری نظامی نیز اهمیت ویژه و به عبارتی تقدسی خاص داشته و مورخان، قبل از هر چیز به فضیلت و قداست این کار می‌اندیشیده‌اند. سرگذشت پیامبر (ص) و شرح حال او با عنوان سیره، بدون پردازش به غزوات و جنگ‌هایی که آن حضرت در آن‌ها حضور داشته بی‌معنا است. بنابراین نخستین سیره‌نویسان، نخستین مغازی نویسان نیز بوده‌اند که به شرح سیره و رفتار جنگی پیامبر (ص) در مناطق جنگی می‌پرداخته‌اند. این مغازی‌نویسان علاوه بر آن‌که با حدیث، تاریخ و سیره آشنا بوده‌اند، اطلاعات کاملی نیز معمولاً از جغرافیا و علوم نظامی داشته‌اند. زیرا آنان برای تشریح مکان جنگ، باید به ویژگی‌های سرزمینی، منطقه و میدان جنگ، موقعیت‌های استراتژیک منطقه‌ی جنگی، توپوگرافی منطقه، شناخت راه‌ها، کوه‌ها، رودها و موانع طبیعی و استحکامات نیز آشنایی داشته و یا آن‌ها را توصیف کنند. بنابراین یک سوی کار مغازی‌نویسان، شرح عملکرد پیامبر (ص) در جنگ و ثبت وقایع و درگیری‌ها، امکانات و استعداد‌های نظامی نیروهای خودی و دشمن، فرماندهان، نبرد تن به تن، میزان خسارات، تلفات و نهایتاً نتیجه‌ی جنگ بود و یک سوی دیگر کار آنان تشریح موقعیت جغرافیایی منطقه‌ی جنگی و در حقیقت میدان جنگ بوده است. بدیهی است پیروزی و موفقیت در یک نبرد به عوامل متعددی بستگی دارد که یکی از مهم‌ترین آن عوامل، میدان جنگ است. استفاده‌ی مطلوب از موانع و استحکامات طبیعی، اعم از کوه، جنگل، رودخانه، باتلاق و... می‌تواند برای یک نیروی نظامی اهمیت حیاتی داشته و او را در پیروزی و غلبه بر دشمن مساعدت کند. از این روی مغازی‌نویسان عصر اسلامی چون زهری، واقدی،

عصر اسلامی کوشیده‌اند تا برای تشریح و ثبت جنگ‌ها بر روایانی متکی شوند که خود در آن جنگ‌ها حضور داشته‌اند.
مغازی نویسان:

۱- ابن شهاب زهری، محمد بن مسلم بن عبیدالله (۲۴-۵۱ق) از نخستین مغازی نویسانی است که اثر او با عنوان المغازی النبویه احیا و به چاپ رسیده است. او از مورخان حجازی و از بنیان‌گذاران مکتب تاریخ‌نگاری مدینه است. نسبش به زهره بن کلاب برادر قصی بن کلاب، جد چهارم رسول خدا (ص) می‌رسد. زهری را دانشمند و اندیشمندی برجسته دانسته‌اند که از وثاقت برخوردار است و او را صادق و راستگو در سیره و مغازی معرفی کرده‌اند. او در دوران خلافت معاویه به دنیا آمد و صحبت بعضی از صحابه را درک کرد. لذا وی از تابعان محسوب می‌گردد. رشد سیاسی و فکری او در آغاز عصر خلافت بنی‌امیه و فوت او نیز مصادف با آخرین سال‌های خلافت بنی‌امیه است. او در شیوه‌ی تاریخ‌نگاری خویش و در حقیقت مغازی نویسی‌اش تلاش کرده است. تا از شاهدان عینی غزوه‌های رسول خدا (ص) و جنگ‌های آن حضرت و یا نهایتاً از کسانی که مستقیماً از شاهدان، حوادث جنگ را نقل کرده‌اند حوادث را ثبت و ضبط کند. از جمله امتیازات کار او این‌که وی نخستین کسی است که روایات شفاهی جنگ را به روایات مکتوب تبدیل کرد و کوشید تا دقیقاً به ثبت وقایع بپردازد و ویژگی دیگر کارش این‌که اخبار و اطلاعات پیرامون مغازی و جنگ را از سایر احادیث به طور تخصصی جدا کرده و بدان پرداخته است؛ آرزوی او این بود که باید بنیان‌گذار مکتب مغازی نویسی یا به عبارتی تاریخ‌نگاری جنگ در اسلام بدانیم که این مکتب را در مدینه بر اساس اصولی استوار و اساسی بنیاد نهاد و آن را به گونه‌ای تدوین کرد که پس از او آن را تداوم بخشیدند و توسعه دادند. روایات او در تاریخ‌نگاری جنگ و مغازی را مغازی و سیره‌نویسان بعدی چون ابن اسحاق، واقدی، موسی بن عقبه استفاده کردند. او علاوه بر مغازی به فتوح عصر خلیفه اول و دوم نیز پرداخته و حوادث و وقایع مهم آن اعصار را نیز ثبت و ضبط کرده است.

۲) موسی بن عقبه، ابومحمد (۱۴۱-۵۳ق) از تابعان و از شاگردان مکتب تاریخ‌نگاری مدینه او از شاگردان زهری بوده است. روایات وی را نقل کرده و واقدی نیز در مغازی مشهور خود از روایات او استفاده کرده است.

موسی بن عقبه را از مغازی نویسان ثقه و مورد وثوق دانسته‌اند، مالک بن انس مغازی وی را ثقه دانسته است.

وی روایات خود را از صحابه و شاهدان عینی غزوه‌ها فراهم ساخته است. موسی بن عقبه در روش مغازی نویسی خود بیش‌تر از عروه‌بن‌زبیر، از فقهای هفتگانه‌ی مدینه بهره برده است که کتاب مغازی او امروزه در دست نیست. موسی بن عقبه علاوه بر آن، شاگرد وی نیز بوده است. علت اصلی توجه موسی بن عقبه به مغازی نویسی، وجود تحریف و انحراف در کار تاریخ‌نگاری جنگ یکی از مغازی نویسان مشهور یعنی شرحبیل بن سعد بوده است. او در ثبت وقایع جنگ بنا بر تمایل خویش، هرگونه که خواسته تاریخ غزوات را نقل کرده است به‌ویژه آن‌که نام برخی از کسانی که در جنگ‌های بدر و احد حضور داشته‌اند را به سبب حب و بغض‌هایی که داشته از آن جنگ‌ها حذف و دیگری که حضور نداشته‌اند را به عنوان حاضران در آن جنگ‌ها ثبت کرده است و به عبارتی برای برخی سابقه جنگ و حضور در نبرد می‌تراشید و این کار علت دیگری نیز داشت و آن فقر و تنگدستی وی بود. او با گرفتن هدایا و پیشکشی براحتی برای یک فرد سابقه حضور در جنگ‌های نخستین رافراهم می‌ساخت. همین کار اعتبار مغازی نویسی او را دچار خدشه ساخت و موسی بن عقبه با مشاهده چنین تحریفاتی بود که به کار مغازی نویسی رو آورد و مغازی و جنگ‌ها و حاضران در آن‌ها را به همانگونه که حقیقت داشت ثبت و ضبط کرد. بنابراین، تألیف وی مورد وثاقت و اعتماد مردم قرار گرفت.

۳) واقدی، محمد بن عمر واقد (۲۰۷-۱۳۰ق)

از مغازی نویسان و فتوح‌نویسان برجسته مدینه است که در عصر عباسی به‌ویژه در دوران مامون منصب قضاوت داشته است. یکی از ویژگی‌های کار واقدی حضور او در مناطقی است که درگیری‌ها صورت گرفته و موقعیت منطقه‌ی جنگی را به تفصیل بیان کرده است. علاوه بر آن، واقدی در کتاب مشهور خود المغازی معمولاً تلاش داشته تا روایت‌های شفاهی و مکتوب صحیح را جمع‌آوری کند و اگر تردیدی وجود داشته نظر خود را در مورد روایت صحیح اعلام داشته است. ثبت دقیق اسامی، اماکن و توجه ویژه به مسایلی چون سازماندهی سپاه در جنگ‌ها، مسیر حرکت مسلمانان، نحوه‌ی تجهیز سپاه و تدارکات آن، شهدا و تلفات دشمن، کیفیت کسب اطلاعات از دشمن و سایر مسایل مربوط به جنگ از ویژگی‌های دیگر تألیف واقدی است. نکته‌ای که باعث اعتماد به تاریخ‌نگاری و مغازی نویسی واقدی می‌شود ذکر دقیق سلسله‌ی روایان یک روایت است و خود نیز صرفاً به نقل

ضعیف خودداری ورزیده و حتی از آن‌ها تحلیل هم ارایه کرده است و موضوعی را گاه تأیید و گاه رد کرده و بر آن استدلال ارایه داشته است. او در تألیف خود تمامی غزوه‌ها و سریه‌های عصر پیامبر و نیز برخی از جنگ‌های پس از آن را نیز ثبت و ضبط کرده است.^۲

۲- فتوح نگاری

در تاریخ‌نگاری جنگ عصر اسلامی، پس از مغازی و به عبارتی جنگ‌هایی که در عصر رسول خدا(ص) رخ داد، به عصر فتوح می‌رسیم که آغاز کشورگشایی‌های عصر خلفای راشدین و سپس خلفای اموی است. فتوح در دوران ابوبکر آغاز و در عصر خلیفه دوم به اوج رسید. در دوران خلیفه اول منطقه‌ی شامات و مصر فتح شد و در عصر خلیفه دوم بین‌النهرین (عراق)، ایران و فلسطین به قلمرو اسلامی ملحق گردید. در عصر خلافت معاویه بخش‌هایی از شمال آفریقا و سرانجام در عصر خلفای اموی سرتاسر شمال آفریقا تا مرکز آن و نیز آن سوی دریای مدیترانه یعنی اندلس (اسپانیا) و جنوب فرانسه ضمیمه‌ی قلمرو اسلامی گردید. بنابراین، عصر فتوح از مهم‌ترین اعصار اسلامی است که تحولات عمده‌ای در خصوص جنگ و لشکرکشی و گسترش سرزمین رخ داده و همپای این تحول، در تاکتیک، تسلیحات و سازمان رزم نیز تحولاتی چشم‌گیر پدید آمد و سازمان رزم دچار دگرگونی زیادی شد یکی از انگیزه‌های مهم فتوح‌نگاری، مسایل مربوط به نوع فتح سرزمین‌ها بود که آیا به صلح یا جنگ فتح شده است تا بتوانند بر اساس آن امور مربوط به جزیه، خراج، مالیات و در مجموع قوانین الهی و فقهی را تدوین کنند. در این هنگام بسیاری از مورخان، توجه ویژه‌ای به ثبت این فتوحات و جنگ‌ها و در حقیقت توسعه اسلام در سرزمین‌های مجاور و نیز بیان شجاعت‌ها، شهامت‌ها و اقتدار لشکریان اسلام مبذول داشتند بنابراین، طبقه‌ای از تاریخ‌نگاران جنگ پدید آمدند که عمدتاً تاریخ‌نگاران فتوح بودند این افراد گاهی نیز خود به شخصه، همراه لشکریان به مناطق جنگی می‌رفتند و یا حتی خود فرماندهی سپاهی را بر عهده داشتند. علت آن‌که ما این

مسلمانان نه تنها توجه ویژه‌ای به تاریخ نظامی داشته‌اند، بلکه فراتر از آن تاریخ‌نگاری نظامی را در منظری کاملاً علمی، محققانه و به طور تخصصی دنبال کرده و آثار فراوانی به جای گذاشته‌اند.

روایات متضاد و متعارض بسنده نمی‌کند، بلکه روایتی یک‌دست و شفاف را از جمع روایات به دست می‌دهد. او اولین کسی است که در مکاتب تاریخ‌نگاری عصر خود تحول ایجاد کرد و مکتبی مستقل با عنوان مغازی نویسنده را مورد توجه قرار داد. اگر مورخان قبل از او هم به سیره و هم به مغازی عنایت داشتند، وی مغازی و تاریخ‌نگاری جنگ را به عنوان یک علم مستقل مورد توجه قرار داده و حتی فتوح، مغازی و رده را مستقل از یکدیگر تدوین و تألیف کرده است. واقدی از معدود نویسندگان پر کار در عصر نخستین اسلامی است. تعداد تألیفات او را تا ۳۰ اثر ذکر کرده‌اند.

کتاب معروف مغازی او از نخستین غزوه‌ها و سریه‌ها تا زمان حیات پیامبر (ص) را در بر می‌گیرد و او حوادث و جنگ‌های بعد از رحلت پیامبر (ص) را در قالب دو کتاب دیگر فتوح‌الرده و فتوح‌الشام دنبال می‌کند. شاید یکی دیگر از ویژگی‌هایی که بتوان مغازی او را نسبت به سایر مغازی نویسان متمایز کرد، ذکر آیات و شأن نزوی آن‌ها در هر یک از جنگ‌ها و نبردها است و حتی پرداختن به تفاسیر آن آیات و اختلاف نظرها در آن مورد و نیز از دیگر ویژگی‌های آن، علاوه بر مطالب مربوط به جنگ‌ها به لحاظ تاکتیک، سازماندهی، فرماندهی و تجهیزات، به مسایل معنوی و روحی در جنگ، ایثار و فداکاری، شجاعت، شهامت، شهادت‌طلبی، صبر و مقولاتی از این دست نیز توجه دارد.^۳

۴- ابن سیدالناس. ابوالفتح فتح الدین محمد یعمری ۶۷۱۱ (۷۳۴) مورخ، محدث و مغازی نویسنده مشهور اندلس. او کتاب خویش با عنوان عبون الاثر فی فنون المغازی و السیر را در مغازی و سیره رسول خدا(ص) فراهم ساخته است او بسیاری از غزوه‌ها و نبردهای عصر پیامبر(ص) را در کتاب خود به طور دقیق و جزیی بر اساس سال‌های جنگ‌ها ثبت می‌کند.

از آنجا که وی در دوران کودکی و نوجوانی در اشبیلیه زندگی کرده و شاهد تهاجم مسیحیان به این منطقه بوده است بیش از هر کس دیگری جنگ و تبعات آن یعنی آوارگی و سرگردانی را درک کرده است. او در آن هنگام ناچار به گریز، به سمت مصر شد و در آن جا سکنی گزید، چون پدر و خاندانش اهل علم و حدیث بودند، در مجالس شیوخ و بزرگان حدیث نشسته و از آن‌ها نقل حدیث می‌کرده است.

ابن سیدالناس در تألیف خود از ابن اسحاق، واقدی، ابن سعد بهره برد، اما برخلاف سایر مغازی نویسان از نقل مطالب

تاریخ‌نگاران را فتوح‌نویسان می‌نامیم برای آن است که تفکیکی بین مغازی و جنگ‌های عصر پیامبر (ص) و اعصار پس از او داشته باشیم، از آن رو که در عصر رسول خدا (ص) جنگ‌ها (مغازی) به هدف گسترش دین و مقابله با شرک و کفر صورت می‌گرفت و تمامی کسانی که در آن جنگ‌ها حضور می‌یافتند هیچ نوع انگیزه مادی اعم از کسب غنایم، پاداش دنیوی و مادی و توسعه و کشورگشایی در سر نداشتند. نیت‌ها و انگیزه‌های آن‌ها خالص و فقط برای کسب فیض و انجام یک فریضه (جهاد) در آن جنگ‌ها حضور می‌یافتند اما فتوحات و عصر فتوح‌دارای این ویژگی نیست. در آن عصر علاوه بر جهاد و گسترش دین، یکی از اهداف مهم، توسعه‌ی قلمرو، گسترش سرزمین‌ها و سلطه بر سرزمین‌های مجاور و در حقیقت کشورگشایی بود. از اهداف فرعی آن نیز می‌توان به کسب غنایم و ثروت‌های بی‌شمار آن مناطق، دست‌یابی به سرزمین‌های حاصلخیز و مطلوب برای بسیاری از تازه‌مسلمانان، که می‌باید از آن به بعد شغل نظامی‌گری را منبعی برای کسب درآمد و امرارمعاش خود ببینند، اشاره کرد. بنابراین، در عصر مغازی، هاله‌ای از تقدس بر جنگ‌ها وجود دارد و عصر فتوح فاقد این ویژگی است و به همین سبب این دو دوره را از یکدیگر مجزا کرده‌ایم. اما فتوح‌نویسان شیوه‌ی کار خود را عمدتاً بر اساس حولیات (سال‌نگاری) متمرکز کرده و به ثبت وقایع و جنگ‌ها و فتوحات براساس سنوات و تاریخ اقدام کرده‌اند و برخی نیز براساس نام جنگ‌ها و مناطق درگیری آنان، جنگ‌ها را از ابتدا تا عصر خود ثبت و ضبط کرده‌اند. از محسّنات و ویژگی‌های کار این فتوح‌نویسان حضور در مناطق جنگی و مشاهده عینی وقایع و بررسی موقعیت‌های جغرافیایی و سرزمینی جنگ‌ها است. ثبت دقیق امکانات نظامی طرفین، سازماندهی نیروهای نظامی، سازمان رزم آن‌ها، فرماندهان و نحوه‌ی اعمال فرماندهی آنان، تاکتیک‌ها و فنون جنگی و نهایتاً نتایج جنگ و پیامدهای آن از مهم‌ترین ویژگی‌های این فتوح‌نویسان است. همان‌گونه که آثار بسیاری از مغازی‌نویسان اولیه متأسفانه در گذر زمان از بین رفته است، این سرنوشت محتوم دچار فتوح‌نویسان و آثار آنان نیز شده است و بسیاری از آثار فتوح‌نویسان نخستین مثل موسی بن عقبه، زهری، ابان بن عثمان، واقدی، طبری، ابو عبیده شریه جرهمی، عروه بن زبیر و دیگران از میان رفته است و ما در این جا فقط به نمونه‌ها و آثار در دسترس اشاره خواهیم کرد. شایان ذکر است برخی از فتوح‌نویسان به طور کلی به فتوحات

همه سرزمین‌ها نظر داشته‌اند و برخی فقط به کشور و محلی خاص. آن دسته که به کشور و محل خاص نظر داشته‌اند علاوه بر ثبت وقایع مربوط به جنگ و فتح آن سرزمین به مسایل حاشیه‌ای از جمله اطلاعات مردم‌شناسی، جغرافیا، اقتصاد، خراج، دین، تمدن و سایر مباحث نیز پرداخته‌اند.

فتوح‌نویسان

۱- واقدی، محمدبن عمر (۱۳۰-۲۰۷ ق)

واقدی کار تاریخ‌نگاری نظامی خود را در سه مرحله به اجرا درآورده است. مرحله‌ی نخست مغازی‌نگاری، مرحله‌ی دوم رده‌نگاری و مرحله‌ی سوم فتوح‌نگاری است. قبلاً از مغازی وی سخن گفته‌ایم. او در دو تألیف دیگر خود به ثبت وقایع و حوادث جنگی و نظامی عصر فتوح، البته به صورت محلی و اختصاصی یک سرزمین و یک موضوع پرداخته است. نخستین اثر او فتوح‌الرده است که اختصاص به جنگ‌های عصر خلیفه‌ی اول و برخورد با مردان و از دین برگشتگان دارد که در بحث ویژه‌ای آن را معرفی خواهیم کرد. دومین اثر او فتوح‌الشام است که وی اهتمام ویژه‌ای به ثبت وقایع مربوط به فتح این سرزمین داشته است. از آثار واقدی تنها همین سه تألیف باقی مانده است اما آثار دیگری نیز در فتوح و سایر انواع تاریخ‌نگاری جنگ دارد که از بین رفته است مثل فتوح‌العراق، کتاب‌الجمل، مقتل‌الحسین، حرب‌الاولس و الخزرج، کتاب صفین.

واقدی فتوح‌الشام خود را با ذکر مثال مربوط به فتح فلسطین و لبنان را آغاز می‌کند و آنگاه به فتح مصر می‌پردازد و فتح شهرهای این سرزمین را یکی پس از دیگری تشریح می‌سازد. او دوباره پس از آن به فتح شامات برمی‌گردد. زیرا حوادث و جنگ‌ها را بر اساس سال شماری و ترتیب تاریخی ذکر کرده است. و به ناچار دوباره به شامات برمی‌گردد. آنگاه از فتح عراق سخن می‌گوید و بخش‌هایی از درگیری مسلمانان با ایرانیان به ویژه جنگ‌های قادسیه‌ی حیره را تشریح می‌سازد.

واقدی در ذکر حوادث مربوط به جنگ‌ها به جزئی‌ترین مسایل از جمله نحوه‌ی تهاجم، تاکتیک‌ها، مسیر حرکت لشکرها، نحوه‌ی محاصره شهرها و سلاح‌های مورد استفاده برای فتح قلعه‌ها و دروازه‌ها، کیفیت سازماندهی نیروها و فرماندهی آن‌ها، امکانات و استعداد نظامی دشمن، تلفات آن‌ها و نهایتاً نتیجه جنگ ارایه می‌دهد.^۴ چنان‌که قبلاً اشاره شد واقدی از جمله مغازی و فتوح‌نویسانی است که خود را ملزم به حضور در مناطقی که جنگ در آن رخ داده و توصیف سرزمینی و

انتخاب خلیفه‌ی اول و ... نیز غافل نمی‌گردد. ابن اعثم عمده‌ی روایات خود را از راویان موثق مغازی و سیره چون مدائنی، واقدی، زهری، ابونحنف و ابن کلبی نقل می‌کند. کتاب الفتوح او که البته با عنوان فتوح الشام نیز معروف شده است، به ذکر حوادث و تاریخ‌نگاری و فتح سرزمین‌هایی چون خراسان، ارمنستان، آذربایجان و جنگ‌های بین مسلمانان و بیزانس می‌پردازد.

علاوه بر آن از جنگ‌های داخلی از جمله نبردهای رده و سرکوبی ابن بهران در عصر خلیفه‌ی اول، فتح ایران در عصر خلیفه‌ی دوم و سپس شام، فلسطین، لبنان و سواحل دریای مدیترانه نیز سخن می‌گوید. و حوادث فتوح را در عصر سه خلیفه و نیز عصر امام علی (ع) و جنگ‌های داخلی ایشان از جمله جمل، صفین و نهروان به طور تفصیلی ثبت و ضبط می‌کند یکی از ویژگی‌های ابن اعثم توجه به مصادیق و موارد جنگ روانی در این جنگ‌ها است به‌ویژه نامه‌نگاری‌های دو طرف متخاصم و تلاش آن‌ها بر تأثیرگذاری بر روحیه جنگی طرف مقابل را به خوبی تشریح می‌سازد. از علل و عوامل ریشه‌ای جنگ‌ها به خوبی سخن می‌گوید و نتایج آن را شرح می‌دهد. کتاب فتوح ابن اعثم چنان‌که اشاره شد از جمله کتب عمومی فتوح‌نگاری است که می‌کوشد تا به تفصیل تمامی سرزمین‌هایی که توسط مسلمانان در دوره‌های مختلف تا عصر خویش رخ داده را تشریح و ثبت کند.

۴- ابن عبدالحکم، ابوالقاسم عبدالرحمان بن عبدالله (ح ۱۸۲ ق ۲۵۷)

از مورخان و فتوح‌نویسان مشهور مصری است. او تألیفی تخصصی پیرامون فتح منطقه‌ی مصر با عنوان فتوح المصر و اخبارها دارد.

ابن عبدالحکم در مصر رشد و نمو یافته و در دستگاه حکومتی نیز سمت‌هایی داشته است. لذا به اسناد و اسرار دولتی دسترسی داشته است. علاوه بر آن راویان سرزمین‌های مرکزی مثل حجاز و شام که به مصر آمده بودند نیز از منابع او محسوب می‌شوند. ابن عبدالحکم تألیف خود را با ذکر فضایل مصر و عصر اسطوره‌ای آن آغاز و به تشریح نحوه‌ی فتح آن توسط مسلمانان و بحث‌های مربوط به فتح آن می‌پردازد. اداره‌ی مصر تا فتح آن نیز از دیگر نکات قابل توجه است. ابن عبدالحکم علاوه بر تاریخ فتح مصر به فتح افریقیه و اسپانیا نیز نظر دارد.

۵- ابن قوطیه، ابوبکر بن عمر بن عبدالعزیز (وفات ۳۶۷ ق)

موقعیت زمین نبرد می‌داند و این بر وثاقت و اعتماد بر کار او می‌افزاید.

۲- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (م ۲۷۹ ق)
از مورخان و فتوح‌نویسان برجسته‌ی ایرانی است. او از جمله مورخانی است که تاریخ‌نگاری را به سبک علمی دنبال کرده و از بزرگان و برجستگان فتوح‌نگاری است و استادان برجسته‌ای در تاریخ‌نگاری چون ابن سعد، واقدی، مدائنی داشته است. بلاذری کتاب‌هایی در خصوص انساب و نسب‌شناسی نیز نگاشته است. انساب‌الاشراف او اشتهاری خاص دارد. کتاب فتوح البلدان وی را برترین کتاب در این خصوص دانسته‌اند و مسعودی مورخ مشهور می‌گوید: «در باب فتوح، کتابی بهتر از کتاب بلاذری نمی‌شناسیم.» شیوه‌ی کار بلاذری تقسیم فتوحات هر یک از شهرها در غالب یک باب است. او تنها به ثبت وقایع مربوط به آن سرزمین بسنده نکرده است. بلکه به حوادثی که از ابتدای فتح یک شهر تا دوران او رخ داده نیز پرداخته است. او به مسایل پیرامون تمدن اسلامی در آن سرزمین‌های فتح شده نیز توجه دارد و اطلاعات گران‌بهایی در این خصوص به دست می‌دهد. نقد روایات مختلف در خصوص فتح را از نظر دور نمی‌دارد و روایات صحیح را از میان روایت‌های متعدد برمی‌گزیند، تألیف خود را از کیفیت و نحوه‌ی فتح سرزمین‌های میان دو رود دجله و فرات آغاز و سپس جنگ‌های متعدد با ایرانیان را به طور تفصیلی بیان و تماس جزئیات فتح ایران و شهرهای آن را در ابواب مختلف ثبت می‌کند سپس به ثبت شامات و شهرها آن و آنگاه فتح مناطق افریقیه و سرزمین‌های آن و آنگاه اندلس و سایر مناطق فتح شده می‌پردازد.

او به دقت جزئیات فتح را ثبت می‌کند و برای ثبت دقیق سرزمین‌ها و مناطق جنگی تا آنجا که ممکن بوده به آن سرزمین‌ها سفر کرده و یا به اسناد و متون معتبر، کار خود را متکی ساخته است.

۳- ابن اعثم کوفی، ابو محمد احمد بن علی (وفات ۳۱۴ ق)
از مورخان برجسته‌ی عراق و از فتوح‌نویسان عمومی است که تألیف خود را با عنوان الفتوح به ثبت و ضبط تاریخ فتوحات در همه‌ی سرزمین‌ها، و نه سرزمینی خاص اختصاص داده است. یکی از ویژگی‌های مهم ابن اعثم و تألیف او علاوه بر مسایل مربوط به تاریخ‌نگاری جنگ، پردازش عمیق و ریشه‌ای به مباحث کلامی، تاریخی و ادبی است. او از حوادث مربوط به خلافت و بحث‌های پیرامون سقیفه، بازتاب و پیامدهای

از مورخان و فتوح‌نویسان اندلسی است. او که خود از تازه‌مسلمانانی است که قبل از فتح اندلس به دین مسیحیت بود و آبا و اجداد وی از گت‌های اسپانیا هستند، تألیف خود را به تاریخ‌نگاری جنگ و فتح اندلس اختصاص داده است. تاریخ الافتتاح‌الاندلس نظری تخصصی و عمیق به این فتح بزرگ و در حقیقت سلطه‌بر سرزمینی عظیم پهناور و با موقعیت استراتژیک در آغاز قاره‌ی اروپا و آن سوی دریای مدیترانه است. از ویژگی‌های این فتح و جنگ‌ها آغاز گسترده‌ی جنگ‌های دریایی در میان مسلمانان است که آن‌ها علاوه بر جنگ در خشکی به جنگ در دریا و گذر از آب‌های پرتلاطم نیز می‌پردازند و این نقطه عطفی در تاریخ جنگ در عصر اسلامی است. فتح اندلس و سلطه‌ده قرن بر این سرزمین باعث رشد و توسعه‌ی تمدن اسلامی و علوم اسلامی در این منطقه گشت و اندلس اسلامی به مظهر تمدن و حیات علمی مسلمین تبدیل شد. پس از بازپس‌گیری اندلس توسط مسیحیان، علوم و تمدن یاد شده به اروپا منتقل و مقدمات رنسانس و بیداری علمی مغرب زمین فراهم گشت. اندیشمندان مسلمان در اندلس نقش ویژه‌ای در گسترش حیات علمی و تمدنی بشریت داشتند که این امر بر هیچ‌کس پوشیده نیست. ابن قوطیه تاریخ اندلس را از آغاز فتح آن به دست مسلمانان در سال ۹۳ق تا زمان فرمانروایی عبدالرحمن الناصر به نگارش در آورده است. اگر چه ابن قوطیه یک مسلمان است اما چون از شاهزادگان گتی است، در تاریخ‌نگاری خویش تعصبات ملی و قومی را نمی‌تواند پنهان سازد. در هر حال این اثر به سبب دست‌یابی مسلمانان به اندلس و اسپانیا و آغاز ورود به اروپا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۳- رده‌نگاری

یکی دیگر از انواع تاریخ‌نگاری جنگ در عصر اسلامی که بر اساس موضوعی خاص پدیدار شده است رده‌نگاری است. پس از رسول خدا (ص) ماجرای ارتداد و از دین برگشتگان پیش آمد و خلیفه‌ی اول اهتمام زیادی در کنترل این بحران و آشوب مبذول داشت. جریان ارتداد و مرتدان در آن عصر را باید به سه دسته تقسیم کرد: ۱- پیامبران دروغین، که پس از رحلت پیامبر (ص) ادعای پیامبری کردند و قبایل بی‌دین و یا سست ایمان عرب را در نقاط مختلف جزیره‌العرب پیرامون خود گرد آوردند ۲- مانعان زکات، کسانی که با رحلت پیامبر (ص) در دادن زکات کوتاهی ورزیدند و حتی از آن مانع شدند

که آن‌ها نیز دو دسته بودند، یک‌دسته کسانی که زکات را در هنگام حیات پیامبر (ص) به‌عنوان باجی می‌دانستند و با رحلت پیامبر (ص) آن را از دوش خود برداشتند و حاضر به دادن آن نشدند و یک‌دسته کسانی که زکات را به‌عنوان یک فریضه واجب می‌دانستند اما چون خلیفه‌ی وقت را قبول نداشتند، حاضر به دادن آن به او نشدند. ۳- فرصت‌طلبان بی‌دین عرب، این عده هرگز مسلمان نشده بودند و یا اگر هم اسلام را پذیرفته بودند از سرناچاری و اجبار بود و لذا با رحلت پیامبر (ص) به اغتشاش و آشوب پرداخته و بحران عظیمی را ایجاد کردند. خلیفه‌ی اول ابوبکر، برای دفع مرتدان و ماجرای ارتداد به لشکرکشی‌های گسترده‌ای دست زد که خالد بن ولید در مقام فرماندهی آن قرار داشت و در ظرف کم‌تر از یک سال موفق شد بحران یاد شده را کنترل کرده و جریان ارتداد را ریشه کن سازد. برخی از مورخان نظر ویژه و تخصصی نسبت به این ماجرا داشته و تألیف خود را به آن اختصاص دادند که البته بسیاری از آن‌ها از بین رفته است. نخستین کسی که در این خصوص کتاب نوشت، محمدبن اسحاق بود که در ۱۵۰ق از دنیا رفت و نیز سیف‌بن عمر تمیمی (وفات ۱۹۳) و آنگاه واقدی و مدائنی (قرن سوم هجری).

۱- طبری، محمدبن جریر (۳۱۰-۲۳۰ق)

مورخ برجسته و مشهور ایرانی که تاریخ‌الطبری وی شهرتی فراوان دارد. روایات فراوان و کامل طبری در خصوص جنگ‌های رده توسط محمد حسین آل یاسین فراهم شده و با نام «نصوص الرده فی تاریخ الطبری» به چاپ رسیده است. روایات طبری از جنگ‌های رده عمدتاً متکی به سیف‌بن عمر و محمدبن اسحاق است. او یازده قبیله و سرزمین که از دین برگشته بودند را به طور کامل معرفی کرده، آنگاه از یازده سپاهی که برای تهاجم به این سرزمین‌ها توسط ابوبکر فراهم و بسیج شده بود یاد می‌کند. فرماندهان، نحوه‌ی حرکت آن‌ها تجهیزات و تسلیحات آن‌ها و سازماندهی و سازمان رزم و نهایتاً نحوه‌ی سرکوبی آن قبایل و شیوه‌های جنگی برخوردار با آن‌ها از مواردی است که طبری به طور مفصل آن‌ها را ثبت و ضبط کرده است.

۲- واقدی، محمدبن عمر (۲۰۷-۱۳۰ق)

تنها اثری که از رده‌نگاری به طور مستقل بر جا مانده است، تألیف واقدی با عنوان فتوح الرده است. این تألیف با عنوان کتاب «الرده مع بنده من فتوح العراق و ذکر المثنی بن حارثه شبلی» نیز به چاپ رسیده است.

واقدی کار خود را از اخبار سقیفه و نحوه‌ی جان‌شینی ابوبکر

نصر بن مزاحم که اصالتاً کوفی است. وقایع جنگ صفین را به صورتی تخصصی با عنوان وقعه‌الصفین به نگارش درآورده است.^۵

او دومین کسی است که پس از ابونحنف در خصوص جنگ صفین تألیف دارد و البته اثر ابونحنف نیز در دسترس نیست لذا اثر نصر بن مزاحم قدیمی‌ترین اثری است که پیرامون یکی از جنگ‌های داخلی این دوران تدوین شده و در دست است. از آنجا که راویان نصر بن مزاحم با یک واسطه، خود در جنگ صفین حضور داشته‌اند، تألیف او وثاقت و ویژه‌ای یافته است. بسیاری از رجال‌شناسان، نصر بن مزاحم را ثقة دانسته‌اند و بسیاری به کار او اعتماد دارند. گرچه برخی به سبب شیعی بودن وی، احادیث و روایاتش را متروک و ضعیف دانسته‌اند که این امر بدیهی می‌نماید. زیرا در مورد چنین اشخاصی معمولاً این گونه موضع‌گیری می‌شود. نصر بن مزاحم تألیفات دیگری نیز پیرامون جنگ‌های داخلی دارد از جمله کتاب‌های: الغارات، الجمل، مقتل حجر بن عدی، مقتل حسین بن علی (ع)، اخبار المختار که البته همگی از بین رفته‌اند.

نصر بن مزاحم تألیف خود را از ورود امام علی (ع) به کوفه آغاز می‌کند در بخش سوم به بسیج، حرکت، درگیری و اعلان جنگ و آنگاه در بخش چهارم به شرح پیکار می‌پردازد و وقایع جنگ را تا بخش هفتم ادامه می‌دهد.

حجم گسترده و انبوه اطلاعات جزئی از وقایع نبرد، اهتمام نویسنده به ثبت دقیق تاریخ‌نگاری جنگ صفین، عظمت کار او را نشان می‌دهد و در کنار ذکر وقایع جنگ به حواشی آن نیز توجه دارد. از جمله مکاتبات بین امام علی (ع) و معاویه، دستورها و فرامین آن حضرت به فرماندهان، بحث داوری در جنگ صفین، خطبه‌های کوبنده‌ی امام (ع) اشعار و مطالب ادبی و استفاده از اشعار، رجزخوانی عناصر درگیر، ذکر دقیق نیروهای طرفین، اسلامی، سازماندهی، امکانات نظامی، نقشه‌های جنگی امام و فرماندهان، شیوه‌های جنگی آنان، بسیج نیرو، مسیر حرکت، محل استقرار نیرو، ویژگی‌های منطقه‌ی جنگی، علل و عوامل برپایی جنگ، نتیجه‌ی نهایی جنگ و... از مسائلی است که در این کتاب تشریح شده‌اند.

۲- ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۲۸۳-۲۰۰ ق) ثقفی کوفی یکی از دیگر کسانی است که تألیفی تخصصی پیرامون جنگ‌های داخلی عصر امام علی (ع) دارد. البته او صرفاً به یکی از جنگ‌ها نمی‌پردازد، بلکه تمامی این فتنه‌ها و درگیری‌های آن عصر را با عنوان الغارات یعنی یورش‌ها و

آغاز می‌کند و بلافاصله به ارتداد مردم جزیره العرب و سپس نامه‌هایی که خلیفه برای آنان نگاشته می‌پردازد. او پیامبران دروغین و مانعان زکات و خواسته‌های آن‌ها را ذکر می‌کند و آنگاه به فرماندهی خالد بن ولید برای دفع و سرکوبی پیامبران دروغین می‌پردازد. شیوه‌ی لشکرکشی او، نیروها و امکانات وی، مسیرهای حرکت او به سوی سرزمین‌های مختلف و آنگاه سایر فرماندهان، که جمعاً یازده فرمانده هستند، به همین ترتیب تا نهایتاً پیروزی و سرکوبی بحران ارتداد را دنبال می‌کند و آنگاه اشاره‌ای نیز در پایان به فتح عراق دارد. از ویژگی‌های کتاب‌الرده‌ی واقدی اعتنای او به اشعار و ادبیات است. اشعاری که در مخالفت و با حمایت از جریان ارتداد سروده شده، به ویژه اشعاری که بیش‌تر حماسه‌سرایی برای مقابله با ارتداد و تشویق و تقویت انگیزه‌های جنگ‌جویان دارد مورد استفاده واقدی قرار گرفته و در حقیقت او از تبلیغات و جنگ روانی نیز غافل نشده است.

۴- فتن‌نگاری (جنگ‌های داخلی)

یکی دیگر از اقسام تاریخ‌نگاری تخصصی جنگ، پردازش به فتنه‌ها و جنگ‌های داخلی است. پس از رسول خدا (ص) به ویژه در عصر عثمان، فتنه‌های داخلی، درگیری‌های احزاب و گروه‌ها و جریانات معارض با خلافت شکل گرفت. گروه‌های سیاسی که در این دوران فعالیت‌های مسلحانه خود را آغاز کردند. با محاصره و قتل عثمان، خلیفه سوم، آن را توسعه دادند. در عصر امام علی (ع) نیز تحت عنوان سه جریان جمل، صفین و نهروان، شاهد فتنه‌ها و ماجراجویی‌ها و درگیری‌های داخلی بودیم که توان و نیروی حاکمیت را برای سرکوبی آن به تحلیل برد. امام علی (ع) در برابر سه فتنه‌ی تاکتین، مارقین و قاسطین، با سه جنگ روبه‌رو شدند که در دو جنگ به پیروزی قاطع دست یافتند. پس از نهروان، جریان جدیدی که تحت عنوان خوارج پدید آمده بودند، توسعه یافتند و فتنه‌های زیادی در سرتاسر قلمرو اسلامی تا قرن‌ها بر پا کردند. از آن هنگام تا چندین سده خلفا درگیر جنگ‌های داخلی با خوارج شدند.

برخی از تاریخ‌نگاران جنگ به طور تخصصی به این جنگ‌های داخلی پرداخته‌اند و آن‌ها را به طور مفصل ثبت و ضبط کرده‌اند. البته آثار بسیاری از آن‌ها چون سیف بن عمر، طبری، واقدی، ملائی، عروه بن زبیر و ابی‌نحنف از بین رفته‌اند.

۱- منقری، نصر بن مزاحم (وفات ۲۱۲ ق)

تاریخ نگاران جنگ اعصار اسلامی کوشیده‌اند تا جنگ را در میدان‌ها به ثبت برسانند و یا اگر خود آن را مشاهده نکرده‌اند آثار آن را در میدان‌ها و مناطق عملیاتی جست‌وجو و تشریح و ثبت کنند و یا از روایانی که به‌شخصه در جنگ‌ها حضور داشته‌اند، تاریخ‌نگاری جنگ را رقم زنند و به مسموعات و روایات مکتوب بسنده و اکتفا نکنند. در مجموع این تاریخ‌نگاری نظامی با این دید تخصصی و شامل و جامع، نشان از یک استراتژی و تفکر بنیادین در این زمینه است که به نظر می‌رسد خلفا و سلاطین از حامیان و مشوقان اصلی آن بوده‌اند.

مورد توجه قرار می‌دهد و مواضع شیعه را در حقیقت در مورد آن آشکار می‌سازد. این یک بخش مهم از کار اوست و بخش دیگر نیز همان ثبت اخبار جنگ است. اگر چه شیخ مفید از اعظام محدثان و متکلمان شیعه است اما به هیچ روی، در این کتاب گرایش‌ها و تمایلات خود را بر حقایق و واقعیات جنگ مستولی نمی‌سازد و چون گزارشگری بی‌طرف به ثبت و ضبط اخبار جنگ می‌پردازد. از ویژگی‌های تألیف شیخ مفید علاوه بر منحصر به فرد بودن و دسترسی شیخ مفید به منابع از میان رفته، استفاده از منابع اصلی و متون معتبر اهل سنت، دقت در ثبت خطبه‌ها و سخنان طرفین، ثبت خطبه‌ها و سخنانی از امام علی (ع)، که در دیگر متون وجود ندارد و تحلیلی و استدلالی برخورد کردن با روایات و تشخیص روایات صحیح و سقیم از نادرست است.

شیخ مفید تألیف خود را از آراء و اختلاف نظرهای پیرامون فتنه‌ی جمل آغاز می‌کند، آنگاه در مورد بیعت با امام علی (ع) و حکومت ایشان سخن می‌گوید. پس از آن عوامل پیمان شکنی ناکثین، رفتن آن‌ها به بصره و بسیج برای جنگ و مسأله خون‌خواهی عثمان به تفصیل بحث می‌کند. آنگاه در فصلی مستقل به ثبت تاریخ و اخبار جمل می‌پردازد در این قسمت خطبه‌های امام علی، نامه‌ها و مواظ ایشان در برابر مخالفان و... نیز ثبت می‌شوند، تشریح وقایع روزانه‌ی جنگ و مسایل مربوط به جنگ از موارد مهم و قابل توجه در بخش دوم است.

ج) متون تخصصی نظامی

پس از پایان عصر فتوح و تثبیت سرزمین‌های فتح شده و آغاز گسترش و توسعه‌ی تمدن اسلامی، بسیاری از اندیشمندان و ثوری پردازان جنگ نیز پا به عرصه‌ی ظهور گذاشتند. آن‌ها از خلال بررسی و مطالعه‌ی دقیق جنگ‌ها و فتوحات عصر اسلامی به تدوین آداب و اصول جنگ پرداختند و در زمینه‌های اندیشه‌ی نظامی و مباحث تخصصی جنگ دست به کار شدند. نظریه‌ها و ثوری‌های فراوانی در این خصوص عرضه

تهاجم‌ها ثبت و ضبط می‌کند. ثقفی کوفی در این تاریخ‌نگاری جنگ‌های داخلی متکی به تابعان و کسانی است که با دو واسطه، بحران‌های عصر امام علی (ع) و یورش‌های سپاهیان معاویه به قلمرو امام علی (ع) را نقل کرده‌اند. او کار ثبت این درگیری‌ها و تهاجمات نیروهای معاویه را پس از اشاره به بازگشت امام از جنگ نهروان آغاز می‌کند و اعمال فرماندهان و عاملان معاویه، که یکی پس از دیگری با نیروهای خود مرزهای خلافت آن حضرت را درنوردیده و شهرها را یکی پس از دیگری تحت تاراج و غارت قرار می‌دهند تشریح می‌کند. او عمدتاً در ثبت وقایع مربوط به این جنگ‌ها اشاراتی بسیار جزئی به نحوه‌ی و کیفیت این یورش‌ها توسط عوامل و مزدوران معاویه، امکانات نظامی آن‌ها سیر حرکت سازماندهی و تاکتیک‌های نظامی، نحوه‌ی اشغال و غارت و تاراج شهرها و قتل عام ساکنان آن‌ها دارد. این تألیف بیش‌تر زاویه‌ی دید خود را دشمن بیرونی و تهاجمات مخالفان و دشمنان قرار داده و کم‌تر به امکانات نیروهای خودی پرداخته است.

۳- شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، (۴۱۳-۳۳۶ ق) محمدبن نعمان، معروف به شیخ مفید، از علما و اندیشمندان قرن چهارم هجری، اگرچه او متکلم و عالم است اما به سبب احساس مسؤلیت و ویژه در ثبت حقایق یک جنگ داخلی در عصر امام علی (ع)، که جنگی حساس به لحاظ رویارویی مسلمانان با یکدیگر و نه با کفر و دشمن خارجی است، دست به ثبت وقایع و تاریخ مربوط به جنگ جمل زده است. اگرچه تألیفاتی تا آن هنگام پیرامون نبرد جمل وجود داشته است، اما همه آن‌ها از میان رفته و از ویژگی‌های تألیف شیخ مفید، الجمل و النصره لسید العتره فی حرب البصره دسترسی به آن منابع و متون روایان است که کار او را بسیار ارزشمند و منحصر به فرد ساخته است. شیخ مفید علاوه بر ثبت وقایع و تاریخ‌نگاری جنگ، در تألیف خود عنایت ویژه‌ای نیز به بحث‌های کلامی دارد و این جنگ را از لحاظ مسایل کلامی، حق و باطل و... نیز

مربوط به اصول و آداب جنگ از دیگر مواردی است که ابن قتیبه به آن‌ها پرداخته است.^۷

(۱/۲) هرثمی، ابوسعید (قرن سوم)

هرثمی، از فرماندهان مأمون عباسی و از خاندان معروف هرثمه بن اعین است که در عصر هارون از فرماندهان عالی‌رتبه‌ی او بود. هرثمی علاوه بر فرماندهی در میدان جنگ، نظریه‌پردازی عمیق پیرامون اصول جنگ است. او کتابی حجیم با عنوان الحیل فی الحروب [حیله‌های جنگی] تألیف کرده و خود آن را مختصر کرده و نام مختصر سیاست‌الحرروب را برای آن برگزیده است. او این کتاب را به درخواست مأمون عباسی، که همواره در خدمت و مصاحبت وی قرار داشته نگاشته است. اما کتاب الحیل فی الحروب وی، در کتاب سوزی‌های مغولان در بغداد سوخته و از بین رفته است. مختصر سیاست‌الحرروب چهل باب است که در تمامی آن‌ها از هنر جنگ و جنبه‌های مختلف آن سخن گفته است. ویژگی‌ها و فضایل فرمانده که آن‌ها را در ۲۵ اصل تشریح می‌سازد، و جوب و ضرورت احتیاط در برابر دشمن، حفاظت اطلاعات، انتخاب جاسوسان، حيله و ترفند علیه دشمن، عیون و جاسوسان، بسیج لشکر، سازماندهی، سازمان رزم، حجم نیروهای جنگ‌جو، احتیاط به هنگام حرکت در مسیر منطقه‌ی جنگی، آرایش جنگی به هنگام حرکت، هوشیاری به هنگام استقرار در اردوگاه، حفاظت از اردوگاه، انتخاب و زمین و منطقه‌ی جنگ، آرایش و سازماندهی در حین جنگ، صفوف مختلف لشکر، مانور و درگیری، تاکتیک، جنگ در قلعه، جنگ در شهر و مسایل دیگر از مواردی است که هرثمی در خصوص آن‌ها بحث کرده است.^۸

(۱/۳) ابن عبدربه اندلسی، ابو عمر احمد بن محمد (۳۲۷-۲۴۶ق)

از مورخان و ادیبان و برجسته‌ی قرن چهارم هجری است. او در کتاب عمومی خود العقد الفرید فصلی به مسایل جنگ اختصاص داده است. بخشی از این تألیف با عنوان الفریده فی الحروب و مدارها شامل بحث‌هایی پیرامون جنگ‌ها، فرماندهی لشکر و مدیریت آن، وظایف یک مدیر و فرمانده، از جمله بحث‌های مربوط به انتخاب تاکتیک، استتار، اعزام طابع و جاسوسان، هوشیاری در برابر جاسوسان دشمن، و سایر وظایف یک فرمانده بحث کرده است.

ابن عبدربه در ابتدای بحث‌های خود در این کتاب یا این فصل ویژه، جنگ‌ها را توصیف می‌کند و آنگاه از پایداری و صبر در

کردند و در مجموع آداب و روش‌های جنگیدن را تعلیم داده و آن‌ها را تشریح کردند و در عرصه‌های زیر مصدر خدمات فراوانی در اندیشه‌ی نظامی و جنگ شدند.

۱- آداب و اصول جنگ ۲- سازماندهی نظامی ۳- تاکتیک‌ها و روش‌های جنگی ۴- فنون جنگی ۵- تسلیحات و تجهیزات جنگ ۶- آموزش و تعلیم جنگ‌جویان ۷- حقوق جنگ. اندیشه‌ها و نظریه‌های این تئوریسین‌های نظامی تا قرن‌ها مورد توجه فرماندهان و مدیران عالی جنگ‌ها گردید. این متون ارزشمند، میراثی گرانبها برای تمدن اسلامی و اندیشه‌ی نظامی است و می‌تواند ما را به این ادعاهنمون سازد که اندیشمندان نظامی و تئوری‌پردازان بزرگی در میان مسلمانان وجود داشته‌اند که قرن‌ها قبل از اندیشمندان غربی به این مباحث توجه کرده‌اند و این امر ثابت می‌کند که مسلمانان در این خصوص نسبت به غربی‌ها مقدم بوده‌اند و اندیشه نظامی در میان آنان بسیار مورد توجه و عنایت بوده است.

۱- آداب و اصول جنگ

(۱/۱) ابن قتیبه دینوری، ابو محمد عبدالله بن مسلم (۲۷۶-۲۱۳ق)

ابن قتیبه دینوری در تألیف خود، عیون‌الخبار بخش خاصی را به اصول و آداب جنگ اختصاص داده است. او به یک متن آموزشی و تعلیم اصول جنگ، که از پهلوی ساسانی به زبان عربی ترجمه شده دسترسی داشته است. این متن با عنوان آیین نامک تألیف بهرام چوبین در عصر ساسانی است که اختصاص به آیین جنگ و جنگ‌آوری و در حقیقت اصول جنگ داشته است. این متن را ابن مقفع از پهلوی به عربی ترجمه کرده و این قتیبه از آن بهره برده است. شایان گفتن است آن متن امروزه در دست نیست. و ابن قتیبه آن را در کتاب خود فراهم ساخته است. او در بخش کتاب الحرب خود به آرا و نظرات هندی‌ها و ایرانیان پیرامون اصول جنگ می‌پردازد و معتقد است مسلمانان در این زمینه از نظرات آن‌ها بهره برده‌اند. او تاکتیک‌های جنگی و روش‌های جنگ، نحوه‌ی انتخاب میدان جنگ و ویژگی‌های آن، ویژگی‌ها و صفات یک فرمانده و یک جنگ‌جو، آموزش و ضرورت آن را در میان جنگ‌جویان به خوبی به تفصیل تشریح می‌سازد. در بخش دیگری به زمان انجام جنگ و روایات وارده در این خصوص می‌پردازد. آداب سوارکاری، حرکت در جنگ و سفر، بیابان‌گردی، صفات و ویژگی اسب‌ها برای جنگ، حيله‌ها و ترفندهای جنگی، اطلاعات در جنگ و کسب اخبار دشمن و بسیاری از مسایل

جنگ، شجاعان عرب در عصر جاهلی و عصر اسلامی، ترفند و خدعه و آموزش سخن می‌گوید. در بخش‌های دیگر این فصل، سخنان و توصیه‌های فرماندهان سپاه و لشکرها از جمله پیامبر (ص)، ابوبکر و سایر خلفا و فرماندهان را نقل می‌کند که آن‌ها نسبت به فرماندهان جزء صادر کرده‌اند و در آن فرامین از نحوه‌ی برخورد با دشمن، برخورد با جاسوسان، چگونگی کسب اطلاعات از دشمن، مقابله با شیبخون‌ها و کمین‌های او و امور دیگر سخن گفته‌اند.

ابن عبدربه حتی علاوه بر این، از توصیف اسبان، خصایص و ویژگی‌های اسبان خوب برای جنگ، سلاح‌ها و تجهیزات جنگی، تیراندازی و استفاده از کمان نیز غافل نمی‌شود.^۱ (۱/۴) ماوردی، ابوالحسن علی بن محمد (۴۵۰-۳۶۴ ق) از نویسندگان و اندیشمندان سیاسی عراق در قرن چهارم و پنجم هجری است. کتاب معروف او الاحکام السلطانیة در حقیقت به هدف آداب حکومت‌داری و ملک‌داری نگاشته شده است و از آنجا که بحث مربوط به مدیریت و فرماندهی جنگ در زمره‌ی وظایف پادشاهان و سلاطین است لذا او برای آشنا کردن آنان با امور مربوط به هدایت و فرماندهی جنگ نیز دو باب از کتاب خود را به این امر اختصاص داده است.

او در باب چهارم و پنجم از صفات یک جنگ‌جوی مسلمان، وظایف ضروری یک فرمانده، تدبیر جنگ و غافل‌گیر کردن دشمن، مسؤولیت و امارت برای جهاد، سخن می‌گوید.^۲ او در باب چهارم، به تفصیل وظایف یک فرمانده را در این امور روشن می‌سازد:

۱- اعزام لشکر (هفت وظیفه).

۲- تدبیر امور جنگ.

۳- سیاست و تدبیر امور لشکر (ده وظیفه).

۴- حقوق جهاد و جنگ (هشت مورد).

۵- پایداری فرمانده در جنگ

۶- شیوه و رفتار فرمانده در جنگ (شش مورد)

او سپس در باب پنجم شرایط مادی و معنوی یک جنگ‌جو را در پنج مورد تشریح می‌سازد.

(۱/۵) نویری، شهاب‌الدین احمد بن عبدالوهاب (وفات ۷۳۳ ق)

از مورخان و اندیشمندان و ادبای قرن هشتم هجری، در تألیف حجیم خود با عنوان نه‌ایه‌الارب فی فنون الادب بابی پیرامون جنگ و جهاد و مسایل مربوط به آن اختصاص داده است. شرح وظایف یک فرمانده، ترفندها و حيله‌های جنگی، جهاد و

فضیلت آن، سازماندهی یگان‌ها، جنگ‌های دریایی، توصیف سلاح‌ها و تجهیزات جنگی از جمله مباحثی است که نویری در باب آن به تفصیل سخن گفته است.

(۱/۶) ابن خلدون، عبدالرحمن ابن محمد (وفات ۸۰۸ ق)

از اندیشمندان و نظریه‌پردازان تونس‌ی قرن هشتم هجری که مقدمه‌ی او اشتها خاصی دارد. او یک فصل از مقدمه عالمانه‌ی خویش را به «جنگ‌ها و روش‌های جنگ» اختصاص داده است. او در این فصل از شیوه‌های مختلف جنگ از جمله جنگ‌های نامنظم، جنگ‌های منظم، سازماندهی نظامی، جهاد و فلسفه اصلی آن در شریعت و دین و تفاوت آن با جنگ‌های با اهل بغی و فتنه و متعصبانه، نظام و سازماندهی در جنگ سخن می‌گوید. او در این فصل به تفصیل کرادیس، تعداد نیروهای لازم برای لشکرها و یگان‌ها در جنگ و وظایف هر یک از اعضا و اجزای نظام خمیس شامل قلب، مقدمه، میمنه، میسر و عقبه می‌پردازد. جنگ قادیسیه و شیوه‌های جنگی ایرانیان با مسلمانان در آن، جنگ‌های رومیان و شیوه‌های جنگ آنان، روش‌های جنگ در میان ملل بربر، ترک، مغربی‌ها و ... از موارد قابل توجه در این فصل است. عوامل معنوی جنگ از قبیل روحیه‌ی جنگی، خدعه، ترفند و تاکتیک‌های نظامی به نظر ابن خلدون در کنار عوامل مادی اهمیت ویژه‌ای دارد و پیروزی در جنگ از نظر وی بدون آن عوامل معنوی امکان ندارد. او در این خصوص مصادیقی را از جنگ‌های عصر پیامبر (ص) و پس از آن ارایه داده و شیوه‌های آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند.^۳

(۱/۷) حسن بن عبدالله عباسی (وفات ۷۱۰ ق)

حسن بن عبدالله بن عمر المحاسن العباسی از اندیشمندان قرن هفتم هجری است. دوران حیات او اندکی پس از تهاجم مغولان به سرزمین‌های اسلامی است و او در دورانی رشد یافته که چیزی جز بلا و مصیبت و ویرانی در آن نبوده است. او در عصر سلطان بیبرس، از ممالیک مصر می‌زیسته و تصمیم داشته است با تألیف این کتاب، سلطان عصر خود را در امور حکومت، مصالح ملک و لشکریان و امور مربوط به جنگ راهنمایی کند. حسن بن عبدالله بخش عمده‌ای از کتاب خود با عنوان آثارالاول فی ترتیب الدول که از نام آن روشن است در آیین ملک‌داری و سیاست نگاشته شده است را به سلطان جنگ و اصول مبانی آن اختصاص می‌دهد. باب چهارم از ابواب چهارگانه کتاب او اختصاصاً به این امور در ده قسمت

بحثی فقهی پیرامون شرط‌بندی در سوارکاری ارایه می‌دهد. او سپس به انواع اسب‌ها و ویژگی‌های آن‌ها و در ابواب دیگر به بحث پیرامون نیزه و شمشیر و چگونگی استفاده از آن‌ها در جنگ و مسابقه می‌پردازد و انواع کمان‌ها و ویژگی‌های آن و روش‌های تیراندازی و اصول و قواعد آن را تشریح می‌سازد و حتی ضررها و زیان‌های جسمی آن را نیز از نظر دور نمی‌دارد.^{۱۴} که می‌توانیم آن را طب تیراندازی بدانیم.

۲/۲) الرماح، نجم‌الدین حسن

از نجم‌الدین حسن الرماح و عصر او اطلاعاتی نداریم. نام او یعنی الرماح نشان دهنده‌ی آن است که وی یا نیزه‌انداز یا نیزه‌ساز بوده است. کتاب او الفروسیه و مناصب الحریبه در خصوص آموزش سواران برای شمشیر زدن، پرتاب نیزه و استفاده از سلاح در دو حالت سواره و پیاده تدوین شده است.^{۱۵}

۳- تسلیحات و تجهیزات جنگ

۳/۱) طرسوسی، مرضی بن علی بن مرضی (وفات ۵۸۹ق)

طرسوسی از مصاحبان و بزرگان دربار صلاح‌الدین ایوبی و از اندیشمندان شامی در قرن ششم است. «تبصره ارباب الالباب فی کیفیه النجاه فی من الاسواء و نشر اعلام الاعلام فی العدد الالات المعینه علی لقاء الاعداء» نام کتاب او است که به «الموسوعه الاسلحه القدیمة» نیز اشتهار دارد. وی این کتاب را که در خصوص دو موضوع آداب و اصول جنگ و شناخت انواع سلاح‌ها است. به‌خواست صلاح‌الدین ایوبی تدوین کرده است. او یازده باب از تألیف خود را صرفاً به بحث پیرامون سازماندهی و یگان‌های رزم و تسلیحات آن از جمله انواع اسلحه و توصیف و کاربرد هر یک از آن‌ها اعم از دفاعی و تهاجمی، از شمشیر گرفته تا نفت‌اندازی‌ها و منجنیق‌ها، اختصاص می‌دهد.

در باب یازدهم به ذکر سازماندهی لشکرها پرداخته و از آرایش‌های پنج‌گانه و سایر مسایل مربوط به سازمان رزم سخن می‌گوید. کتاب او در حقیقت دایره‌المعارفی در خصوص شناخت سلاح‌ها است.^{۱۶}

۳/۲) ابن ارنیغ الزردکاش (وفات ۸۶۷ق)

ابن ارنیغ الزردکاش از فرماندهان عصر ممالیک ترک شام یا مصر، تألیف خود الانیق فی المناجیق را که به شناخت و معرفی انواع منجنیق‌ها اختصاص دارد به سلطان بروق از ممالیک شام تقدیم داشته است. از محسنات و ویژگی‌های این تألیف، طرح‌ها و تصاویری است که از انواع منجنیق‌ها اعم از

پرداخته است: توصیف طبقات مردم، شجاعت، آداب سوارکاری و تیراندازی، سلاح‌ها و استفاده از آن در جنگ، مسابقات مربوط به تیراندازی، سوارکاری، ولایت شهرها و ثغور، جنگ، اصول و آیین و آداب آن، شرایط جنگ‌جویان و فرماندهان، حصارها، فتح قلاع و مسایل مربوط به محاصره کننده و محاصره شونده شکست و هزیمت، و سرانجام باب دهم در خصوص نیروهای دریایی کشتی‌ها و ناوگان‌های جنگی در عصر اسلامی.^{۱۷}

مؤلف در ابواب ده‌گانه‌ی بالا اندیشه‌ها و تئوری‌های خویش را با ذکر مثال‌ها و نمونه‌های عینی و تاریخی مستند می‌سازد و همین امر بر ویژگی‌ها و امتیازات کار او می‌افزاید. او بسیاری از نظرات خود را به سیره‌ی پادشاهان گذشته متکی ساخته و به متون کهنی دسترسی داشته که امروزه در دست رس نیستند.

۱/۸) هروی، علی بن ابوبکر

علی بن ابوبکر هروی که از هویت واقعی و حتی عصر او چیزی نمی‌دانیم تألیف تخصصی او با عنوان التذکره‌الهرویه فی الحیل الحریبه، نشان می‌دهد وی می‌خواسته با مجموعه‌ی تذکرها و پندها و نظریات خود پیرامون حیل‌ها و ترفندهای جنگی و به عبارتی اصول جنگ برای حاکمان عصر خویش راهکارهایی روشن تدوین کند، تا آنان بتوانند در برابر متجاوزان و دشمنان خود بایستند و به پیروزی دست یابند. ابوبکر هروی پس از بحث مفصل پیرامون آداب ملک‌داری و حکومت، در باب پایانی تألیف مختصر خویش به ذکر ضرورت جمع‌آوری آلات و ادوات جنگ توسط سلطان پرداخته و نحوه‌ی برخورد با دشمن و حیل‌های جنگی، کتمان اسرار، ارسال سریه‌ها، هوشیاری و بیداری در برابر دشمن، تحریض و تشویق به جنگ، تاکتیک‌های جنگی، سازماندهی در حین جنگ، نبرد در قلعه‌ها و راه‌ها و ترفندهای فتح آن، سلاح‌های مختلف مخصوص فتح قلاع و تخریب حصارها، احتیاط به هنگام عدم پیروزی و... پرداخته است.^{۱۸}

۲- آموزش نظامی:

۲/۱) ابن قیم جوزی، شمس‌الدین بن عبدالله (۷۵۱-۶۹۱ق)

ابن قیم جوزی از اندیشمندان دمشقی در قرن هشتم و صاحب تألیفات فراوان، کتاب الفروسیه‌ی خود را به سوارکاری و آموزش و مهارت استفاده از اسب در جنگ اختصاص داده است. او در ابتدای تألیف حجیم و تخصصی خود به ذکر احادیث و روایات پیامبر (ص) در مورد مسابقه با شتر و اسب می‌پردازد و از مسابقه با قاطر، فیل و حتی کشتی یاد می‌کند. و

ایرانی، عربی، رومی، ترکی، مغولی و... ارائه کرده است. این اشکال و تصاویر شامل ابزارهای قیاس مسافات، هیأت و اجزای منجنیق و نیز انواع آن، نحوه‌ی ساخت، ترکیب و نصب تیرهای آن، ساخت قوس‌الزیار، سلم‌الحصار، انواع نردبان‌های حصار، نحوه‌ی استقرار آن در کنار دیوارها، زحافه یا دبابه هستند که علاوه بر تشریح همه‌ی آن‌ها با تصاویر و طرح‌هایی بر آگاهی خوانندگان می‌افزاید در بخش دوم کتاب، مولف در چند صفحه به شرح و توصیف گلوله‌های منجنیق و پرتابه‌های نفتی و آتشین، همراه با اشکال مختلف انواع گلوله‌ها، که داخل آن مواد جاسازی شده است و نیز نحوه‌ی ترکیب و ساخت و پرتاب آن‌ها ارائه می‌دهد.^۳ نحوه‌ی اراییه‌ی مطالب تخصصی پیرامون این تجهیزات و طرح‌ها و رسومات دقیق، بیانگر آن است که این فرمانده نظامی خود از سازندگان منجنیق بوده و در این امر بسیار تخصص داشته است.

۴- سازماندهی جنگ

(۴/۱) ابن منکلی، محمد (۷۸۴ق)

جلال‌الدین محمد، نقیب لشکر در عصر سلطان اشرف قایتبای از سلاطین دولت ممالیک مصر، کتابی تخصصی پیرامون نحوه‌ی سازماندهی و آرایش نظامی در جنگ نگاشته است. الادله‌ی الرسمیه فی التعابی الحریبه به طور ویژه و تخصصی به سازماندهی نظامی، آرایش لشکرها، وظایف یگان‌های رزم، شناخت فرمانده نسبت به نیروهای خود، مشورت در جنگ، انواع آرایش‌ها و سازماندهی نظامی در جنگ و محاصره‌ی شهرها، وظایف طلایه و جنگ دریایی از موضوعاتی است که ابن منکلی در ۲۰ فصل به طور مفصل به آن پرداخته است. تألیف او را شاید بتوان در بحث تخصصی سازماندهی نظامی تنها کتاب جامع و کامل دانست که در آن این موارد به خوبی و با جزئیات دقیق تشریح و علاوه بر آن مشحون است از آیات و روایات و احکام فقهی و دینی و توجه به رعایت تقوا و حدود الهی و اخلاق در میان نظامیان، که کم‌تر مؤلفی به جنبه‌های اخلاقی موضوع توجه دارد و این تألیف در این خصوص منحصر به فرد است. او کتاب دیگری نیز پیرامون اصول جنگ دارد به نام «التدبیرات السلطانیه فی سیاسه الصناعه الحریبه» که از بین رفته است.

۵- حقوق جنگ

(۵/۱) محمد بن حسن شیبانی (وفات ۲۸۰ ق)

محمد بن حسن شیبانی قدیمی‌ترین و شاید نخستین نویسنده و اندیشه‌پرداز است که پیرامون حقوق جنگ در اسلام به

تدوین نظریه‌ها و اندیشه‌های اسلامی دست زده است. السیر الکبیر او در خصوص قوانین دول و روابط بین‌الملل و بین‌الدول در میان ملل اسلامی چه در جنگ و چه در صلح است. او در کتاب خود از سیره‌ی مسلمانان در برخورد با مشرکان، اعم از جنگ‌جویان و محاربان و نیز سایر ملل اعم از هم‌پیمانان و دشمنان، اهل زمه و مرتدان سخن گفته است. او ۴۵ باب از کتاب السیر الکبیر را به حقوق جنگ و آداب جنگ، تقسیم‌غنائیم، قوانین فقهی مربوط به زنان دشمن، اسیران، احکام نکاح و ازدواج جنگ‌جویان با اهل کتاب و دشمنان، احکام متجاوزان و اهل بغی، احکام مربوط به برخورد با دشمنان که سرزمین آنان اشغال و یا براساس صلح تحت حمایت مسلمانان قرار می‌گیرند و در مجموع رفتار و سیره انسانی و اخلاقی با دشمنان و در حقیقت باید‌ها و نباید‌های جنگ و اصول انسانی آن که امروزه از آن به عنوان حقوق جنگ تعبیر می‌کنیم، اختصاص می‌دهد.^۴ این ۴۵ باب عنوان «ابواب السیر فی ارض الحرب» را بر خود گرفته است. تألیف او در عصر هارون الرشید انجام و مورد استقبال این خلیفه قرار گرفته است. او احکام تشریحی و فقهی را به قرآن و احادیث و روایات مربوطه مغازی رسول خدا (ص) مستند و متکی ساخته است. تألیف شیبانی به لحاظ قدمت در موضوع قوانین دول از گرینوس هلندی (۱۶۴۵-۱۵۸۳ م) که در غرب پدر قانون شناخته شده است، مقدم‌تر است.^۵ در دوران عثمانی این کتاب به ترکی ترجمه و اساسی برای احکام مجاهدان ترک در جنگ‌های با اروپاییان گشت. در سده قبل، متخصصان و صاحب‌نظران قوانین دولی (روابط بین‌الملل) به جایگاه شیبانی توجه کردند و حتی در آلمان، گروهی به نام «جمیعه الشیبانی للتحقیق الدولی» تأسیس و بسیاری از اندیشمندان و متخصصان این فن از سراسر جهان در آن گرد آمدند. هدف آنان معرفی شیبانی، آراء و نظرات او در این باب بود.

(۵/۲) ابن قیم جوزی، شمس‌الدین

ابن قیم جوزی، علاوه بر الفروسیه، کتاب دیگری با عنوان کتاب اهل الذمه دارد که پیرامون دارالحرب و دارالاسلام، صلح، امان، عهد، غنائیم جنگی، احکام کافران، اسیران کافر، احکام اهل ذمه به ویژه مجوس، و مسایل مرتبط با حقوق جنگ نگاشته شده است.^۶

نتیجه:

میراث فرهنگی و تمدن به جای مانده از اعصار نخستین اسلامی در قالب تاریخ‌نگاری جنگ، نشان از حیاتی درخشان

در این زمینه برخلاف تصورات موجود دارد. مستشرقان و ناآگاهان چنان می‌اندیشند که در میان مسلمانان و اندیشمندان اسلامی، تاریخ‌نگاری نظامی و در حقیقت تاریخ نظامی چندان معنا و مفهومی ندارد و تخصص ویژه صرفاً از غرب و متعلق به قرون جدید است اما بررسی ده‌ها متن و مکتوب در این خصوص میان مسلمانان این واقعیت را بیش از پیش آشکار می‌سازد که مسلمانان نه تنها توجه ویژه‌ای به تاریخ نظامی داشته‌اند، بلکه فراتر از آن تاریخ‌نگاری نظامی را در منظری کاملاً علمی، محققانه و به طور تخصصی دنبال کرده و آثار فراوانی به جای گذاشته‌اند. یکی از ویژگی‌های مهم تاریخ‌نگاری نظامی در میان مسلمانان دید تخصصی در موضوعات مختلفی از جمله ثبت وقایع مربوط به جنگ‌ها اعم از خارجی و داخلی در انواع مختلف آن شامل: مغازی، رده، فتوح، فتن، مقاسم، مقاتل و نیز اندیشه‌هایی در باب هنر جنگ و اصول جنگ و هم‌چنین سلاح‌شناسی و امور مربوط به آمادگی‌های جنگی است که ما در این مقاله به طور تخصصی ضمن یک تقسیم‌بندی موضوعی ارایه داشتیم و این امر نشان از دیدگاه همه‌جانبه‌ی مورخان و اندیشمندان اسلامی در باب تاریخ‌نگاری جنگ دارد و اما ویژگی مهم‌تری که در این خصوص به آن دست می‌یابیم، ثبت وقایع مربوط به جنگ‌ها توسط مورخان با مشاهده‌ی میدانی است. عموماً تاریخ‌نگاران جنگ اعصار اسلامی کوشیده‌اند تا جنگ را در میدان‌ها به ثبت برسانند و یا اگر خود آن را مشاهده نکرده‌اند آثار آن را در میدان‌ها و مناطق عملیاتی جست‌جو و تشریح و ثبت کنند و یا از راوایانی که به شخصه در جنگ‌ها حضور داشته‌اند، تاریخ‌نگاری جنگ را رقم زنند و به مسموعات و روایات مکتوب بسنده و اکتفا نکنند. در مجموع این تاریخ‌نگاری نظامی با این دید تخصصی و شامل و جامع، نشان از یک استراتژی و تفکر بنیادین در این زمینه است که به نظر می‌رسد خلفا و سلاطین از حامیان و مشوقان اصلی آن بوده‌اند.

یادداشت‌ها

- ۱- ابن شهاب زهری، المغازی النبویه، حقه سهیل زکار، بیروت، دارالفکر، ص ۳۱.
- ۲- واقدی، محمد بن عمر، المغازی النبویه، تحقیق مارسدن جوتر، هروت، ۱۴۰۴ق.
- ۳- ابن سیدالناس، ابوالفتح، عیون الاثر فی فنون المغازی و السیر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق
- ۴- واقدی، فتوح الشام، تحقیق عبداللطیف، عبدالرحمن، بیروت، دارالکتب العلمیه ۱۴۱۷.
- ۵- نصرین مزاحم منقری، بیکار صفین، ترجمه‌ی پرویز اتابکی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۶- ابن قتیبه دینوری، عیون الاخبار، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۳ق، ج ۱، ص ۱۲۰-۱۱۴.
- ۷- همان، ج ۱، صص ۱۹۶-۱۹۵.
- ۸- هرثمی، مختصر سیاسه الحروب، تحقیق عبدالرئوف عون، المؤسسه المصریه العام، قاهره، بی تا.
- ۹- ابن عبدربه اندلسی، عیون الاخبار، مصر، الازهریه، ۱۳۴۶ق، ج ۱، صص ۹۰-۴۸.
- ۱۰- ماوردی، الاحکام السلطانیه، مصر، مکتبه و مطبعه مصطفی البابی الحلبی، ۱۳۸۰، ص ۳۷-۳۵.
- ۱۱- ابن خلدون، المقدمه، بیروت، مکتبه المدرسه و دارالکتب البنانی، ۱۹۶۷، صص ۴۹۰-۴۷۹.
- ۱۲- حسن بن عبدالله، آثارالاول فی ترتیب الدول، تصحیح عبدالرحمن عمیره، بیروت ۱۴۰۹ق.
- ۱۳- ابوبکر هروی، التذکره الهروه فی الحیل الحربیه، مصر، مکتبه الثقافیه الدینیّه (بی تا).
- ۱۴- ابن میثم جوزی، الفروسیه، بیروت، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- ۱۵- حسن الرماح، الفروسیه و مناصب الحربیه، تصحیح عبد حنیف العبادی، بغداد ۱۹۸۴م.
- ۱۶- علی بن مرضی طرسوسی، تبصره الارباب الالباب فی کیفیه النجاه، بیروت ۱۹۴۸م.
- ۱۷- ابن ارنیغا الزردکاش، الایق فی المناجیق، تحقیق احسان هندی، جامعه حلب، ۱۴۰۵ق.
- ۱۸- محمد بن حس شیبانی، السیر الکبیر، تحقیق صلاح‌الدین المنجد، قاهره، المصریه، ۸۱۹۵۸
- ۱۹- همان، مقدمه‌ی صلاح‌الدین المنجد
- ۲۰- ابن قیم جوزی، کتاب اهل الذمه، تصحیح صبحی صالح، جامعه دمشق، ۱۳۸۱ق